

زحمات نامرئی برای خراسان

بعد از تولید محتوا، تصحیح و صفحه آرایی صفحات، تلاش های افراد در بخش های دیگری هم هست تاروز نامه به دست مخاطب و مشترک برسد؛ در سالروز انتشار روز نامه خراسان از این واحدها گفتیم

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

همه ما به محض شنیدن نام روز نامه روز نامه نگاری، ذهن مان به سمت خبرنگارهایی می رود که اسم شان در ابتدای هر مطلب قرار دارد. اما یک روز نامه از زمانی که محتوایش توسط یک خبرنگار تولید می شود تا زمانی که به دست مخاطب می رسد، مراحل چندین گانه ای را طی می کند که کمتر کسی از آن ها خبر دارد. زحمات و دغدغه های نامرئی این افراد در مسیر چاپ و توزیع روز نامه شاید دیده نشود اما اگر وجود نداشته باشد، همه زحمات روز نامه نگاران ضایع خواهد شد. به بهانه اول تیر، سالروز انتشار روز نامه خراسان با چند نفر از همکاران واحدهای لیتوگرافی، چاپ، اشتراک، توزیع و خدمات صحبت کردیم تا بیشتر از چالش های کارشان برای مایگوبیند. مثلاً با اپراتور دستگاه چاپ صحبت کردیم که دستش در دستگاه گیر می کند و در آستانه قطع شدن بوده، با موزعی که نیمه های شب به داخل یک چاله با عمق ۳ متری سقوط می کند و تا آستانه مرگ رفته و همکارهای دیگری مانند تصحیح و صفحه آرایی که همه تلاش شان، رسیدن روز نامه به موقع به دست شما مخاطبان و مشترکان محترم روز نامه خراسان است. با ما باشید.



دستمر ا فدای چاپ به موقع روز نامه کردم

«وحید مهربان نیک» اپراتور دستگاه چاپ از روزی می گوید که دستش در دستگاه گیر کرد و شانس آورد که قطع نشد



او ۲۲ خرداد ۹۰ وارد روز نامه خراسان و از همان ابتدا در واحد چاپ رول مشغول به کار شده است. وحید که متولد سال ۱۳۶۴ است، می گوید: «از ابتدا که آمدم پای دستگاه ۶۰ بودم که روز نامه را در قطع بزرگ چاپ می کرد.»

یادمرفت دستگاه در حال چرخش است

«مهربان نیک» چند سال پیش در زمان سرویس دستگاه چاپ دچار حادثه شد. او درباره آن روز می گوید: «ما هر روز باید دستگاه چاپ را قبل از شروع به کار سرویس می کردیم. من شیلنگ باد را طبق معمول برداشتم و به سراغ دستگاه رفتم. یک قسمتی را در پایین دستگاه دیدم که از شب قبل گرد کاغذ باقی مانده بود و شیلنگ باد را بیشتر از حالت معمول به پایین بردم. همچنان که شیلنگ را بردم پایین، یادمرفت که دستگاه در حال چرخش بود. یکهو سلیندر دستگاه دستم را به سمت خودش کشید و من در آن لحظه، داد زدم اما هیچ فردی حواسش نبود صدایم را نشنید. تنها چیزی که به ذهنم رسید این بود که یادم آمد دکمه توقف دستگاه کنار دست دیگرم است. با دست چپ دم روی استپ و دستگاه ایستاد. دوباره چند بار دادم تا این که بچه ها آمدند سمت من و دیدند که دستم لای دستگاه گیر کرده است. همه این چیزهایی که من درباره حادثه گفتم در ۲ یا ۳ ثانیه اتفاق افتاد و اگر زن دکمه استپ ۸ ثانیه طول کشیده بود، دست من کلا از میج قطع شده بود.»

قبول کردم دستم بسوزد تا چاپ روز نامه تاخیر نخورد

از او درباره عملیات امداد و خارج کردن دستش از دستگاه می پرسیم



پرتکرارترین خواسته مشتریان گرفتن تخفیف است

«فاطمه پاکروان» کارمند بخش اشتراک از وظایف این بخش می گوید و مشتری کی که روزی ۵ بار با او تماس می گیرد

«پاکروان» از سال ۱۳۸۲ به روز نامه آمده و از همان ابتدا در واحد اشتراک و توزیع مشغول به کار شده است. او درباره وظیفه اصلی واحد اشتراک و توزیع می گوید: «واحد اشتراک، وظیفه آبونمان گرفتن و برنامه ریزی برای توزیع به موقع روز نامه و سپس بررسی بازخورد های مردمی در این روال را دارد. مثلاً روز نامه به موقع به دست مخاطب رسیده یا نه، آسیبی ندیده باشد و... به طور کلی پیگیری مسائل بعد از توزیع روز نامه هم با واحد ما است.»

مشترکان می گویند عاشق روز نامه ایما ...

او درباره محتوای بیشتر تماس های مشترکان با بخش آن ها می گوید: «بیشترین نکته ای که مردم در تماس با ما مطرح می کنند، درخواست تخفیف است. تماس هم زیاد داریم که مشترکان می گویند علاقه زیادی به روز نامه داریم ولی به خاطر قیمت اشتراک برای خرید روز نامه مشکل داریم و بعضی ها هم مجبور به

حضور مهمان در موسسه، پراسترس ترین لحظات کارمان است

«علی نداف» نیروی واحد خدمات تا ۲۲ سال حضور در همه بخش های موسسه و اتفاقی می گوید که خیلی ناراحتش می کند



آن برای همکاران به خصوص در بخش تحریریه خیلی مهم است و اگر اشکالی در این موارد باشد، پیگیری می شوند.»

پذیرایی از مهمان خیلی حساس است

«ما دوره های پذیرایی و تشریفات در حضور مهمان را گذرانیدیم». او با این مقدمه می افزاید: «به طور کلی، زمانی که مهمانی به موسسه می آید، به خصوص که مهمان های موسسه جز مسئولان استانی و کشوری هستند، کار ما خیلی حساس است و استرس خاص خودش را دارد. این جاست که باید خیلی حواس مان باشد تا هیچ اشتباهی مرتکب نشویم.»

یک بار جای را روی میز مدیر عامل وقت چیه کردم

از «نداف» می پرسیم که آیا تا حالا پیش آمده که

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

پنج شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳
۱۲ دی الحجه ۱۴۴۵ • ۲۰ زوئن ۲۰۲۴
شماره ۲۱۵۱۸

۲۷۳۷



خاطرات ترسناک زیادی دارم!

«مهدی قسیمی» که پدرش هم موزع روز نامه بوده، از افتادن در یک چاله با عمق ۳ متری در نیمه های شب و چالش های این شغل در زمستان و تاریکی می گوید



«مهدی» از سال ۸۵ به بخش توزیع روز نامه خراسان آمده و جالب تر این که پدرش هم موزع روز نامه خراسان بوده و الان باز نشسته شده است. او در ابتدای صحبت هایش می گوید: «ما از ساعت ۱۲ شب به روز نامه می آییم و بعد از بسته بندی روز نامه ها، آن ها را در خورجین

موتور سیکل مان می گذاریم تا قبل از سپیده صبح به دست مخاطبان خوب خراسان برسد. کار ما تقریباً از ساعت ۳ شب برای توزیع روز نامه شروع می شود و اگر اتفاق خاصی نیفتد، هوا خوب باشد، موتورمان خراب نشود... حداقل ۴ ساعت طول می کشد تا همه روز نامه ها را به مخاطبان برسانیم.»

شانس آوردم که در چاله زنده ماندم

او یک خاطره از روزی که در مسیر توزیع روز نامه، مرگ را به چشم خودش دیده هم می گوید: «یک شب در حال توزیع بودم که ناگهان افتادم در یک چاله بزرگ. ظاهر از زمین زیر موتورم به اندازه ۴ در ۴ متر فرو نشستم کرد و به عمق ۳ متری یک چاله بزرگ سقوط کردم. یک لحظه خیلی ترسیدم و مرگ را به چشم خودم دیدم. بعد با گوشی ام یادمر تماس گرفتم و او آمد تا من را بالا بکشد. چند دقیقه بعد هم آتش نشانی آمد و موتورم را بالا کشید. در همان لحظه یک سنگ بزرگی سر خور دو دقیقه به همان جایی افتاد که من موقع سقوط نشسته بودم. اگر چند لحظه دیر تر بیرون آمده بودم، معلوم نیست چه بلایی سرم می آمد چون اصلاً زیر سنگ له می شدم. درباره فصل زمستان هم که نیاز ی به توضیح نیست. بعضی شب ها که برف و باران می آید، آن قدر انیت می شوم که گاهی روی موتور گریه ام می گیر داما کاری را که قبول کردم باید انجام بدهم.»



یکهویک نفر با کلاش پرید جلوی من!

او یک خاطره ترسناک دیگر هم دارد می گوید: «یک بار در حال توزیع روز نامه در تاریکی شب بودم که یکهو دیدم یک نفر با اسلحه یا چیزی شبیه به آن در تاریکی شب پرید جلوی من. در آن لحظه فقط گاز موتور را گرفتم و فرار کردم. بعدش با پلیس هم در آن جادور زدیم اما کسی را پیدا نکردیم. خیلی وحشتناک بود. من تا یک هفته جرت نمی کردم در آن منطقه پایم را بگذارم.»

بعضی مشترکان ساعت ۴ صبح پشت در خانه شان منتظرم هستند

او درباره مخاطبان روز نامه هم می گوید: «بعضی از مشترکان روز نامه هستند که در ساعت ۴ یا ۵ صبح منتظر روز نامه هستند. این افراد به محضی که صدای موتور من را می شنوند، قبل از این که روز نامه را در صندوق بیندازم، خودشان را می رسانند تا سریع تر روز نامه را از من بگیرند و بخوانند. همین چند روز پیش هم یک نفر از مشترکان جلوی در نشسته بود تا من برسم و روز نامه را بگیرد و زودتر بخواند. از این افراد زیاد داریم که عاشقانه دوست دارند که روز نامه را اول وقت بخوانند.»

پسرم عاشق زندگی سلام است

او سه تا فرزند دارد که یکی از آن ها پسر ۷ ساله اش است. نداف می گوید: «پسرم هر روز، زندگی سلام های روز نامه را برای خودش برمی دارد و آن ها را جمع می کند و کنار می گذارد. طرفدار بخش سرگرمی کودکانه در زندگی سلام است. من خودم هم هر روز با پدر جور شده صفحه حوادث را بخوانم چون علاقه زیادی به آن دارم.»



از تنظیمات کاغذکشی تا مرکب و تای کاغذ برای چاپ

«حمید فرجی» سرپرست چاپ رول از شروع کار این واحد با سرویس دستگاه ها و بقیه مراحل آن می گوید



او از سال ۸۷ در روز نامه خراسان مشغول به کار شده و از همان ابتدا در واحد چاپ رول بوده است. «فرجی» درباره مراحل چاپ روز نامه می گوید: «همکاران بخش چاپ از ساعت ۷ شب با سرویس دستگاه های چاپ شروع به کار می کنند. تقریباً هر شب از ساعت ۸، فعالیت بخش چاپ روز نامه با چاپ صفحات نیازمندی شروع می شود. سپس صفحات ضمیمه ها و صفحات اصلی طبق برنامه زیر چاپ می رود.»

زینک ها را در دستگاه چاپ قرار می دهیم

سرپرست چاپ رول درباره وظایف اپراتورهای دستگاه های چاپ روز نامه می گوید: «زمانی که زینک ها به دست ما می رسد، آن را پانچ کرده و در سلیندر دستگاه چاپ روز نامه قرار می دهیم. مرحله بعدی، کاغذکشی است که باید توسط اپراتور انجام شود. سپس تنظیمات ریجستر، تای کاغذ، مرکب و... توسط اپراتور انجام می شود و بقیه کار ها توسط دستگاه به صورت اتوماتیک صورت می پذیرد.»

شب هایی که مناظره با فوتبال باشد، کارمان بیشتر طول می کشد

او درباره چالش های این بخش می گوید: «الان همکاران ما تجربه بالایی دارند و مشکل خاصی نداریم چون بلدیم با دستگاه ها کار کنیم. البته گاهی کاغذ در دستگاه گیر می کند که خطا می دهد و متوقف می شود. بنابراین باید دوباره مر حله کاغذکشی را انجام دهیم تا چاپ از سر گرفته شود. همچنین شب هایی که مسابقه فوتبال یا ورزشی مهمی هست یا مثلاً این روز ها که مناظرات انتخاباتی تا بامداد طول می کشد، چون صفحات دیرتر به دست ما می رسد، کار چاپ هم بیشتر طول می کشد.»

گاهی فایمل هایم هم به کیفیت چاپ اعتراض می کنند!

او درباره کیفیت چاپ روز نامه می گوید: «گاهی اگر عکسی که در صفحه کار شده کیفیت بالایی نداشته باشد، چاپ ضعیف می شود. الان نسبتاً مرکب خوب استفاده می کنیم اما کیفیت کاغذ هم تاثیر زیادی دارد. این ها روی کیفیت چاپ و تصویر تاثیر زیادی دارد. جالب است بدانید گاهی خانواده خودم و اقوام به من درباره کیفیت چاپ روز نامه انتقاد می کنند اما تمام تلاش ما چاپ با بالاترین کیفیت است.»

